



یادداشت

مهدی حسن‌زاده

در دفاع از مذاکراهی که با میدان هماهنگ است

جنگ تمام نشده است، حتی در همین لحظه‌ای که همه اخبار از قطعی شدن امضای تفاهم میان ایران و آمریکا حکایت دارد و وزیر خارجه کشورمان توییت می‌کند که تفاهم‌نامه اسلام‌آباد هیچ‌گاه تا این حدبه‌نهایی شدن نزدیک نبوده‌است‌و ترامپ‌نیز آن را در صفحه شخصی خود بازنشر می‌کند. این هر جزو شگفتی‌های روابط با آمریکااست که تفاهم‌و جنگ با آن، فاصله‌های کوتاه‌و نزدیک به یکدیگر دارد. اگر با این دید به ماجرا نگاه کنیم، جینگیدن و توافق کردن را در یک عرصه‌و در کنار یکدیگر ببینیم، این تناقض ظاهری رفع می‌شود.

■ **تجربه ۲۵ ساله و بدبینی مردم به مذاکره**

مردم ایران از سال ۱۳۸۲ با مفهوم مذاکره در پرونده هسته‌ای مواجه بوده‌اند. سیر ۲۵ ساله مذاکرات در پرونده هسته‌ای ایران مملو از تلاش ایران برای بیمودن مسیر مذاکره و آمادگی برای پذیرش محدودیت در موضوع هسته‌ای با هدف توافق و رفع فشارهای سیاسی و اقتصادی بوده، اما حتی در اوج این فرایند که امضای توافق برجام بود، با وجود برخی دستاوردها ازجمله افزایش فروش نفت و دسترسی بیشتر به منابع مالی خارجی، درنهایت با فشارها و محدودیت‌های اعمال شده از سوی آمریکایی‌ها کم‌اثر و در نهایت با خروج ترامپ از برجام، منجر به تشدید فشارها علیه ایران شده است. از توافق سعدآباد و مدالیته تا برجام و مذاکرات هسته‌ای سال گذشته، ایران پای میز مذاکره، محدودیت و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای را پذیرفته‌اما در نهایت، غرب و آمریکااز بریز میز توافق زده‌و در آخرین مرحله، مذاکره را با موشکباران به پایان رسانده‌اند.

■ **تفاوت امیدوارکننده مذاکرت فعلی با مذاکرات پیشین**

بدبینی به مذاکره با همه این اتفاقات، طبیعی است، اما این بار با مذاکراهی مواجه هستیم‌که فرق می‌کند. بلافاصله پس از جنگی که با تثبیت اقتدار جمهوری اسلامی ایران همراه شده‌است، مذاکراهی شکل گرفته که نخست، تجربه مذاکرات قبلی را در پی خود دارد. دوم، مذاکره‌کنندگان از جمله قالیباف، رئیس هیئت‌مذاکره کننده به‌صراحت، بارها از بی اعتمادی به آمریکا و اینکه مذاکره بخشی از مبارزه با دشمن است، سخن گفته‌است. سوم، همه حتی طرفداران افراطی مذاکره نیز دیده‌اند که در روابط خارجی و مواجهه با آمریکا، قدرت نظامی و موشکی و تثبیت اراده ملی در تنگه هرمز، جقدر ضروری وراه‌گشاست. چهارم، در مرحله اول توافق در قالب تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، هیچ حرفی از محدودیت و تعلیق هسته‌ای نیست و ایران اجرای همه تعهدات خود را به اجرای تعهدات طرف مقابل مشروط کرده‌است، نه وعده شفاهی و تعهد کتبی آمریکایی‌ها.

با این ملاحظات آنچه اهمیت دارد نه اصل مذاکره که رویکرد حاکم بر ذهن و گفتمان مذاکره‌کنندگان و نسبت مذاکره با میدان است. برخی که متأسفانه در این روزها و شب‌ها، به غلط سعی در دوگانه‌سازی مذاکره و میدان دارند، از پاسخ به اینکه ایده ایجابی آن‌ها برای پایان‌بندی جنگ چیست، عاجزند. واضح است که هر جنگی در مرحله‌ای ممکن است به‌شکلی از مذاکره برای پایان جنگ منتهی شود. اگر مذاکره از موضع قدرت و پیشتیبانی اقتدار نظامی باشد بدون وادادگی و اعتماد ساده‌لوحانه به وعده‌های آمریکایی صورت پذیرد و برگ برنده‌ای به‌نام تنگه‌هرمز در دست ما باشد، قطعاً تفاوت جدی با مذاکراتی دارد که با ادبیات ضعف و سازش همراه بود.

■ **دعوا بر سر متن و دوری از واقعیت‌های میدانی**

مسئله کلیدی تر، تمرکز منتقدان تیم مذاکره‌کننده بر متن و جزئیات حقوقی است. اینجا اتفاقاً دقیقاً نقدی است که می‌توان به‌مدل توافق برجام داشت، جایی که تعهدات آمریکایی‌ها به معاهده‌های حقوقی و وعده‌های کاغذی حواله داده شده بود و آمریکایی‌ها با ترننده‌های مختلف و استفاده از ابهامات متن و توافقات حقوقی و دور زدن برجام، از تعهدات خود شانه‌خالی می‌کردند تا سرانجام در دوره ترامپ خیلی صریح و بی‌پرده، برجام را به قتل برسانند. اینکه دلواپسان دیروز تصور می‌کردند اگر متن برجام بهتر نوشته می‌شد یا متن تفاهم فعلی اشکالاتی دارد که به نفع ایران نیست، آن قدر فانتزی و غیرواقعی است که نیازی به نقد ندارد، چرا که تفاهم فعلی اساساً به وعده‌های کاغذی و انسان مدممی مزاجی مثل ترامپ وابسته نیست، بلکه به انجام عملی وعده‌های طرف مقابل ازجمله آزادسازی اموال ایران، توقف جنگ در لبنان و پایان محاصره دریایی بستگی دارد و مطلقاً حرف و وعده ترامپ پیشیزی ارزش سیاسی و حقوقی برای مذاکره‌کنندگان ما ندارد. لذا ماندن در دعوای متن، جز اتلاف وقت و دعوای بی‌حاصل داخلی ارزشی ندارد و فرسنگ‌ها دور از واقعیت مذاکره و میدان است.

■ **هشدار درباره تجمع، تحصن و هشتگ‌سازی‌های وحدت‌شکن**
حتماً باید نسبت به خوش خیالی درباره مذاکره هشدار داد، اما دوگانه‌سازی غلط میان میدان و مذاکره، بدگمانی به مسئولانی که بیش از منتقدان، برادری خود را در میدان‌های جنگ، از دفاع مقدس هشت ساله تا جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان اثبات کرده‌اند و انگاره به‌شدت خطرناکی که برخی درباره رهبری معظم انقلاب ایجادمی‌کنند که ایشان را تحت فشار مذاکره‌کنندگان و فاقد اختیار تصویر می‌کنند، بازی در زمین ترامپ و کاملاً خلاف توصیه‌های صریح رهبر معظم انقلاب است. به‌ویژه در آن فراز از پیام ایشان به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشأن انقلاب که آمده است: «مسلماً فریادهای شما در میادین در نتیجه مذاکرات مؤثر است» و واضح است که این فریاد نه بر سر نماینده جبهه خودی و مذاکره‌کننده ایرانی که باید با اتحاد کلمه بر سر دشمن زده شود تا دست مذاکره‌کننده خودی پر شود. دعوت به تجمع و تحصن، لشکرکشی در برابر وزارت خارجه، بمباران شبهه و تردیدافکنی در فضای مجازی با هشتگ‌سازی‌های مخرب از جمله «نمی‌پذیریم»، تحریف سخنان سرداران میدان دیپلماسی و تحریک مسئولان، ایجاد تفرقه ملی به جای تقویت اتحاد ملی، فهرستی از خطاهای بزرگ و شاید در برخی افراد اقدامات تحمیدی برای بهره‌برداری سیاسی از موضعی ملی است که باید از سوی احاد مردم با پاسخ قاطع و دعوت این وحدت‌شکنان به سکوت و همراهی با اقیانوس عظیم وحدت ملی همراه شود.

ترامپ مشتاق توافق است، اما با روشنگری نباید گذاشت روایت نادرست وی درباره روندهای دیپلماتیک غالب شود

تفاهم بر سر آغاز مسیر پر دست انداز سیاسی!



هدایت جاوید در فضایی مبهم که رسیدن به تفاهم میان تهران و واشنگتن نه به بار بود و نه به دار، رسانه‌های آمریکایی به استناد سخنان ترامپ، طی دوروز گذشته حتی سین یک برنامه دیپلماتیک را چیده و مدعی بودند «جی دی ونس» فردی است که چمدان بسته و یکشنبه (امروز) برای امضای توافق با ایران راهی ژنو خواهد شد. این نحوه تفسیر ماجرا از نوع رفتار رئیس جمهور آمریکا برآمده بود، جایی که وی پس از تهدیداتش، ناگهان مدعی شد برنامه حمله به یل‌ها و نیروگاه‌های ایران را به تعویق انداخته، چرا که طرفین در آستانه رسیدن به تفاهم هستند! توییت بعدی وزیر امور خارجه گمانه‌ها درباره تفاهمات تهران و واشنگتن را تقویت کرد که نوشت: «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد هیچ‌گاه تا این حد به نهایی شدن نزدیک نبوده‌است».

اظهارات مقامات آمریکایی و مهر تأیید عراقچی بر آن در شرایطی است که مفاد توافق یاد شده هنوز در دسترس همگانی قرار نگرفته؛ مسیر دیپلماتیکی که اختلاف حتی بر سر کلیات آن برقرار است. بر این اساس اگرچه منابع ایرانی به انتشار جزئیاتی از پیش‌نویس تفاهم‌نامه ۱۴ ماده‌ای پرداختند اما در مقابل، فاکس‌نیوز به نقل از مسئولان کاخ سفید بار د آن، تأکید کرد طرح پیشنهادی ترامپ حتماً شامل پنج بند کلیدی است: ۱. نابودی و حذف کامل مواد هسته‌ای ایران. ۲. برچیده

روزشمار جنگ | روز صد و هفتم

در آستانه امضای تفاهم با آمریکا هستیم، چه چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد؟

معماری تفاهم در زمین بی‌اعتمادی

ریشه در آسیب‌پذیری سیاسی او در داخل آمریکا دارد. لابی‌های ضد ایرانی و منتقدان جمهوری خواه در کنگره، هرگونه آزادسازی درباری را نوعی «باچ‌دهی» تفسیر می‌کنند. اما واقعیت روی زمین این است که آمریکا چاره‌ای جز پرداخت این هزینه ندارد. تداوم انسداد عملی در تنگه هرمز و تسلط نهادهای حاکمیتی جدید (مانند «گذرگاه استراتژیک خلیج فارس») بر ترافیک دریایی، بازار انرژی جهان را اگرگان اراده ایران کرده‌است. پذیرش این بندر پیش‌نویس، اعتراف صریح واشنگتن به ناکارآمدی راهبردی «فشار حداکثری» است.

■ **لبنان؛ نقطه کور توافق**

اما مهم‌ترین گره باقیمانده، اصرار نتانیا‌هو بر تداوم جنایت در لبنان است. در حالی که هنری انشر، دیپلمات پیشین آمریکایی در الجزیره هشدار می‌دهد عقب‌نشینی اسرائیل از لبنان، یک «فرایند طولانی» خواهد بود. ارتش اسرائیل با صدور فرامین تخلیه برای ۲۰ شهر جدید در مناطق جنوبیه و جزین، در حال تعمیق اشغالگری است.

این سیاست، مستقیماً با خط قرمز ایران یعنی «توقف درگیری در تمامی جبهه‌ها» در تضاد است. محمدباقر قالیباف، مذاکره‌کننده ارشد ایران به درستی اشاره کرده است که رفتار آمریکا و اسرائیل نشان‌دهنده

کاخ سفید برای یافتن یک «مسیر خروچ» پیش از آغاز کمپین‌های انتخاباتی میان‌دوره‌ای است. در نقطه مقابل، پاسخ دستگاه دیپلماسی ایران، یک کلاس درس در «مذاکره از موضع ثبات» بود. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه به بار احتمال امضای توافق در روز یکشنبه، نشان داد ایران زمان‌بندی دیپلماسی خود را با ضرب‌الاجل‌های رسانه‌ای آمریکا تنظیم نمی‌کند. همان‌طور که حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای تأکید کرد، «بی‌اعتمادی مطلق ایران به واشنگتن» یک شعار سیاسی نیست، بلکه محصول یک ارزیابی تاریخی دقیق از عهدشکنی‌های متوالی آمریکا است. این بی‌اعتمادی، تیم مذاکره‌کننده ایرانی را مجاب کرده در تدوین متن نهایی، به‌جای وعده‌های کتبی، بر طراحي «مکانیسم‌های تضمین عملی» متمرکز شوند.

■ **دستاورد پنهان؛ ۲۴ میلیارد دلار و فروپاشی منطق تحریم**

یکی از مهم‌ترین اطلاعات در زکرده در ۲۴ ساعت گذشته، موضوع آزادسازی دارایی‌های ایران بود. ترامپ، پذیرش آزادسازی ۲۴ میلیارد دلار از اموال مسدودشده را پذیرفته‌است.

پنهان‌کاری رئیس‌جمهور آمریکا درباره این بند از توافق،

تفاهم بر سر آغاز

تفاهم بر سر آغاز مسیر پر دست انداز سیاسی!



شدن برنامه هسته‌ای ۳. عدم آزادسازی هیچ دارایی ایران پیش از اجرای کامل تعهدات ۴. بازگشایی تنگه هرمز ۵. توقف تأمین مالی گروه‌های نیابتی از سوی ایران.

■ **مسیری پر دست‌انداز**

ابهام‌های گسترده ابعاد تفاهمی که واشنگتن تلاش داشت آن را به نفع خود تعبیر و تفسیر کند، موجی از نگرانی‌ها را به راه انداخته و برخی درباره سرنوشت چنین روند پر ابهام و پرتناقضی هشدار می‌دهند. اکنون اگرچه شهزاد شریف، نخست‌وزیر پاکستان از تدارکات اسلام‌آباد برای امضای الکترونیکی تفاهم (و نه حضوری آن‌گونه که واشنگتن تبلیغ می‌کرد) می‌گوید، اما دقیقاً یک‌سال پس از آغاز نخستین دور حملات جنایتکارانه رژیم اسرائیل و آمریکا به ایران (۲۳ خرداد ۱۴۰۴) به نظر می‌رسد کشورمان در بزنگاه حساس دیگری قرار

دارد که باید درباره آن هوشیار بود.

در این راستا تبیین و شفاف‌سازی اوضاع برای مردم و ترسیم تصویری درست از آنچه در حال انجام است، بسیار مهم به نظر می‌رسد. بر این اساس درباره شرایط مذاکرات جاری و تفاهم احتمالی از چند نکته نباید غافل بود. نخست، این واقعیت است که امضای تفاهم‌نامه حتی در صورت تحقق، نه پایان چالش بلکه آغاز یک مجادله و منازعه دیپلماتیک جدی با

■ **درمخمسه اخبار ضد و نقیض**

با توجه به نکته گفته‌شده، یک‌راه حل جلوگیری از گرفتاری در تله احتمالی دشمن، اجرای گام به گام توافق است. جمهوری اسلامی تجربه بدعهدی طرف مقابل در برجام و همچنین دو حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی در بحبوحه مذاکره را پیش چشم دارد و لذا به وعده ونسیه دل‌ن بسته و ترتیباتی خواهد چید که هر گونه امتیازی را نقد در یافت کند. تأکید بر رفع محاصره دریایی ایران، قرار گرفتن لبنان در چارچوب آتش‌بس

و آزادشدن پول‌های مسدود شده و در دسترس ایران قرار گرفتن آن، از قالب چنین سناریویی مطرح است. دیپلمات‌ها به این هم اکتفا نکرده و طبق گفته عراقچی، توافق احتمالی با ایالات متحده را در مرحله بسته و «موضوع هسته‌ای در مرحله دوم روی میز است». این یعنی با امضای تفاهم اولیه، خواسته‌های ابتدایی ایران یعنی رفع حصر دریایی، خاتمه جنگ در تمام جبهه‌ها، آزادی پول‌های بلوکه شده و... باید محقق شود و سپس با سنجدین تحقق آن به مرحله بعد رفته و موضوع هسته‌ای در دستور کار قرار خواهد گرفت.

با وجود دو نکته گفته‌شده، اخبار ضد و نقیض و ابهامات درباره مذاکرات جاری، موضوعی است که نگران‌کننده بوده و نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. اینکه ایران از طرح ۱۴ ماده‌ای خود سخن می‌گوید و آمریکا شروط پنج‌بندی را روی میز دارد یعنی حتی حداقل‌ها برای رسیدن به تفاهم روشن و پایدار، آن هم زیر سایه تهدید فراهم‌نیست. «در توافق احتمالی، محاصره به‌طور کامل رفع خواهد شد، دارایی‌های بلوکه‌شده ما آزاد می‌شود و آینده تنگه هرمز و اداره آن مانند گذشته نخواهد بود، هزینه خدمات دریافت خواهد شد و این در مذاکرات تثبیت خواهد شد». این‌ها نکاتی است که عراقچی در مصاحبه اخیرش گفته و اتفاقاً طرف غربی روایت متفاوتی درباره آن دارد! یک مقام آمریکایی می‌گوید چنانچه ایران به مفاد توافق پایبند بماند، تمدن‌پریم‌ها کاهش خواهدیافت. لوه‌مچنین تأکید می‌کند ایران چیزی از امضای توافق بدست نخواهد آورد و اگر مملکد خوبی داشته باشد به مرور چیزهای بیشتری بدست خواهد آورد. طبق گفته رسانه‌های آمریکایی، دارایی‌های مسدود شده ایران نیز نه ابتدا بلکه متناسب با انجام تعهدات و به صورت مرحله‌ای آزاد خواهد شد. ترامپ حتی پا را از این فراتر گذاشته

و تأکید دارد تنگه هرمز بدون چون و چرا باید بازگشایی شود. این برداشت و روایت متناقض طرفین از آنچه در حال وقوع است در شرایطی است که رسانه‌های آمریکایی با پروپاگندای تمام و در فراری رو به جلو، مدعی هستند ترامپ از نحوه انتشار نادرست اطلاعات در رسانه‌های ایرانی درباره مفاد توافق گله‌مند است و همین سبب شده یک مقام ایرانی در تماس تلفنی با وی در این باره بوزش خواسته و قول تصحیح چنین روندی را بدهد. امثل معروفی هست که می‌گوید «آدم ناشی، سرنا را از سر گشاد آن می‌زند». این اصطلاح برای توصیف کسی به کار می‌رود که کاری را از راه اشتباه، خلاف معمول یا غیرمنطقی انجام می‌دهد و ترامپ چنین فردی است. او در رویارویی با ایران موفق نبوده و در عوض با هیاهو و جارجونجال به دنبال آن است که بتواند تهران را در موضع ضعف قرار داده و امتیاز بگیرد. هر چند عراقچی گفته «وقتی توافق نهایی شود، حتماً جزئیات کامل را برای مردم تشریح کرده و بند به بند آن را توضیح خواهد داد». اما در حالی که رئیس‌جمهور ایالات متحده با اظهارات متناقض گام‌وی‌گاه تلاش دارد صحنه را به نفع خود بچیند، از مسئولان انتظار است درباره روند‌های جاری شفاف‌سازی روشنی کرده و ضمن تبیین اوضاع، نگذارند روایت دشمن غالب شود؛ این حداقل‌ترین کار ممکن است.

فرآیند

مذاکرات

توافق

پایان

معماری

تفاهم

در زمین

بی‌اعتمادی

ریشه

در

آسیب‌پذیری

سیاسی

او در

داخل

آمریکا

دارد.

لابی‌های

ضد ایرانی

و منتقدان

جمهوری خواه

در

کنگره،

هرگونه

آزادسازی

درباری را

نوعی

«باچ‌دهی»

تفسیر

می‌کنند.

اما واقعیت

روی زمین

این است

که آمریکا

چاره‌ای

جز پرداخت

این هزینه

ندارد.

تداوم

انسداد

عملی در

تنگه

هرمز و

تسلط

نهادهای

حاکمیتی

جدید

(مانند

«گذرگاه

استراتژیک

خلیج فارس

) بر

ترافیک

دریایی،

بازار انرژی

جهان را

اگرگان

اراده

ایران

کرده‌است.

پذیرش

این بندر

پیش‌نویس،

اعتراف

صریح

واشنگتن

به

ناکارآمدی

راهبردی

«فشار

حداکثری»

است.

ایران مهیای آخرین دیدار

حضور مردم و وداع با امام شهیدشان فراهم‌شود. اما گویا این فرصت برای وداع و مشایعت میلیونی عاشقان و دوستداران رهبر شهید فراهم شده و می‌توانند پیکر امام‌مجاهدشان را تا بیهشت تشییع کنند.

گرچه او پدر مردم بود و راهبر انقلاب و مرجع جهان تشیع و پرچم‌دار جبهه مقاومت و گرچه عروج خویشیش با زبان روزه‌و در کنار خانواده، داغ بزرگی است و یادآور داغ‌های سردناشدنی شیعه، اما چنین مراسمی را نمی‌توان به سوگواری فروگاست و در عازم‌توقف شد.

مردمی که صاحبان عزا هستند، این تشییع را علاوه بر سوگ‌فقدان و درد فرار، در مشایعت باره‌ا راهبرشان معنا می‌کنند و مانند‌بر هم‌ان عهدی که با او بسته بودند.

اما این مردم، دیگر همان مردم نهم اسفند ۱۴۰۴ نیستند. در طول این صد و اندی روز، راه‌صندساله‌ای را رفته‌اند و به مقامات دیگری رسیده‌اند. شب‌های قدری را از سر گذرانده‌اند که بالاتر بوده از هزاران ماه و بعثتی را تجربه کرده‌اند که آنان را در

محمد ولایی | ستاد بزرگ‌داشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای در اطلاعیه‌ای برنامه‌وداع، تشییع‌و تدفین پیکر مطهر آن امام‌شهید و اعضای خانواده ایشان را اعلام کرد.

بنابر اعلام این ستاد، روزهای ۳ و ۱۴ تیرماه به وداع مردم با پیکر مطهر امام شهید در مصالی تهران اختصاص یافته‌و مراسم تشییع نیز روزهای ۱۵ و ۱۶ تیر به ترتیب در تهران و قم برگزار خواهد شد تا در نهایت در روز پنجشنبه ۱۸ تیر در مشهد مقدس و حرم مطهر رضوی تشییع و تدفین شود.

از همان روزهای پس از شهادت رهبر شهید انقلاب، خبرها و گمانه‌هایی مبنی بر در پیش بودن مراسم تشییع در تهران یا مشهد منتشر می‌شد؛ اما درخواست‌های مکرر مردم از استان‌های مختلف برای شرکت در مراسم و پیش‌بینی حضور جمعیت بسیار بالا و پیچیدگی ملاحظات امنیتی‌اش، مانع تحقق این خواسته در زمان جنگ می‌شد.

اینچنین بود که این مراسم بارها به تعویق افتاد تا شرایط مساعدتری برای